

دلایل صلح امام حسن مجتبی(ع)

امام حسن مجتبی(ع) با در نظر گرفتن شرایط خاصی که در آن قرار گرفته بود و همچنین مصلحت مسلمانان، 25 ربیع الاول صلحنامه‌ای با شرایط و مواردی خاص با معاویه منعقد کرد.

امام حسن مجتبی(ع) با در نظر گرفتن شرایط خاصی که در آن قرار گرفته بود و همچنین مصلحت مسلمانان، 25 ربیع الاول صلحنامه‌ای با شرایط و مواردی خاص با معاویه منعقد کرد.

امام حسن مجتبی (ع) 21 رمضان سال 40 قمری پس از شهادت حضرت علی (ع) عهده دار رهبری امت اسلامی شد و ادامه سیره و روش حکومتی امیرمؤمنان(ع) و سیاست عدالت گستری وی را سر لوحه کار خویش قرار داد.

معاویه که در ایام خلافت امیرمؤمنان از حکومت مرکزی سرپیچی و اقدام به ایجاد حکومت مستقل و خودخوانده در شام کرده و به برخی از مناطق اطراف از جمله مصر، چنگ انداخته بود، از آغاز حکومت امام حسن (ع) اقدام به دشمنی و فتنه انگیزی کرده، با ارسال جاسوسان و نفوذ در میان بزرگان قبیله‌ها و طایفه‌ها و تطمیع آنان، زمینه نبرد دیگری را فراهم ساخت.

دلایل صلح

از سوی دیگر، نفاق و خیانت برخی سران سپاه امام حسن (ع) و پیوستن آنان به سپاه معاویه و ناخرسندی مردم به ادامه جنگ و خونریزی، دشمن را جسورتر کرده و وی را به تهاجم همه جانبه نظامی وادار کرد.

امام که به ساماندهی حکومت و امور معیشتی مردم و برقراری قسط و عدل در جامعه اسلامی پرداخته بود، با دشمنی‌ها و تهاجم سراسری سپاه شام روبرو شد.

آن حضرت نیز در مقام دفاع برخاست و در میان مردم اعلان بسیج عمومی کرد و رزمندگان کوفه و سایر شهرها را برای دفع تهاجم دشمن فراخواند. وقتی دو سپاه در برابر یکدیگر قرار گرفتند و درگیری‌های پراکنده‌ای میان آنان به وقوع پیوست، برخی سران سپاه امام حسن مجتبی (ع)، از جمله "عبیدالله بن عباس" که فرماندهی کل را بر عهده داشت به سپاه معاویه پیوست و به این ترتیب توان روحی و فیزیکی سپاه امام کاهش یافت.

نفوذی‌های معاویه در میان سپاهیان امام حسن و در میان عامه مردم شهرها، اقدام به شایعه پراکنی و گمانه زنی‌های خلاف واقع کردند و به تدریج جامعه اسلامی و رزمندگان را از داخل دچار تردید و تزلزل نمودند.

به طوری که برخی سپاهیان، شبانه از اردوگاه‌ها و پادگان‌ها گریخته و صحنه نبرد را ترک می‌کردند و برخی از فریب خوردگان "خوارج" در شهرهای پشت جبهه اقدام به آشوب می‌کردند و حتی در "ساباط مداین"، به خیمه گاه امام حسن هجوم آورده و اقدام به غارت و بی‌نظمی نمودند و حتی در اقدامی امام حسن مجتبی (ع) را ترور و آن حضرت را به شدت زخمی کردند. ریش سفیدان و صاحب نفوذان عراق و حجاز و برخی از فرماندهان سپاه امام مخفیانه نامه هایی به معاویه داده و اظهار اطاعت و پیروی می‌نمودند و حتی نوشتند که حاضرند امام حسن (ع) را تسلیم وی کرده و یا او را به قتل رسانند.

امام حسن مجتبی که از تمامی نفاق‌ها و خیانت‌های سپاه خویش خبردار بود، با گردآوری آنان و ایراد خطبه و روشن نمودن اذهان آنان از دسیسه‌های دشمن، تلاش وافر نمود که روحیه مردانگی و رزم آوری را در آنان، بار دیگر زنده کرده و توطئه‌های دشمن را نقش بر آب کند.

زمان صلح نامه

ولی رسوخ نفاق و خیانت سپاه آن حضرت را از کارایی لازم انداخته و توازن نظامی را به کلی دگرگون کرده بود و سرانجام امام حسن(ع) را وادار به پذیرش صلح ناخواسته کرد و آن حضرت، بناچار در 25 ربیع الاول و به قولی در نیمه جمادی الاولی سال 41 قمری بر اساس شرایطی، خلافت را به معاویه بن ابی سفیان واگذاشت و خود از آن کناره گرفت.

مفاد صلح نامه

امام حسن (ع) با معاویه بن ابی سفیان صلح کرد که امام متعرض معاویه نگردد به شرط آنکه او در میان مردم به کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) و خلفای شایسته عمل کند به شرط آنکه پس از خود هیچکس را برای امر خلافت تعیین ننماید و مردم مسلمان، خود با شورا خلیفه تعیین کنند؛ و شرط کرد که مردم در هر کجای عالم که باشند از شام و عراق و حجاز و یمن از شر او ایمن باشند و جان و مال و زنان و اولاد شیعیان علی بن ابیطالب از معاویه در امام بماند.

و نیز بر معاویه شرط شد که برای حسن بن علی و برادرش حسین و سایر اهل بیت و خویشان رسول خدا مکرری نیندیشد و آشکار و پنهان ضرری به ایشان نرساند و هیچکس از ایشان را در هیچ کجای زمین نترساند و شرط شد که دیگر علی را در قنوت نماز لعن نکنند چنانکه تا کنون می‌کردند. خدا و رسولش بر این صلح‌نامه گواه گرفته شدند و عبدالله بن الحارث و عمرو بن ابی سلمه و عبدالله بن عامر و عبدالرحمن بن سمره بر آن شهادت دادند.

در بعضی از منابع تاریخی این مفاد هم در صلح‌نامه ذکر شده است:

خلافت پس از معاویه برای حسن و سپس برای حسین باشد.

حسن مجبور نباشد معاویه را امیرالمومنین بنامد.

برخی مورخان موارد دیگری را نیز برای این صلح‌نامه ذکر کرده اند از جمله اینکه: حسن بن علی (ع) و برادرش حسین (ع)، هیچ گاه معاویه را امیرمؤمنان خطاب نکنند. این شرط به وضوح بیان می‌کند که صلح امام حسن نوعی سکوت در شرایط ناچاری و کناره‌گیری مصلحت‌آمیز از حکومت بود، نه این که معاویه بن ابی سفیان، سزاوار خلافت و حکومت بوده است.

اسدالغابه، ج 2، ص 14؛ تاریخ الطبری، ج 5، ص 324؛ العقد الفرید، ج 4، ص 361؛ الثقات، ج 2، ص 305؛ المصنف للصنعانی ج 5، ص 461؛ شرح الأخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ج 2، ص 122، فصول المهمة، ص 163، بحار الأنوار، ج 44، ص 8 و 13، تاریخ الاسلام، ج 4، ص 5؛ تاریخ الخلفاء، ص 191